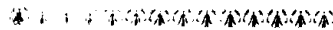


مبارزه طبقاتی و مسئله زنان

بسیاری از نیروهای چپ، مبارزات دمکراتیک زنان را نوعی مبارزه بورژوائی تفسیر نموده و از حمایت آن خودداری مینمایند.



کنفرانس برفرار کرده، سازمانهای مستقل در "کنفرانس همبستگی زنان" این تاریخ را بیفاصله در روزنامهها اعلام کردند و به سایر سازمانهای مترقی نیز جداگانه خبر دادند اما دو روز بعد با کمال تحجب مشاهده شد که سازمان چریکهای فدائی خلق درست در همان روز و همان ساعت اعلام راهپیمایی کرده است! یکفته پیداست که نمایان با این سازمان برای تغییر روز یا ساعت راهپیمایی بیخاسته بود. رفقا مخالفت "تئوریک" خود را در عمل نیز بصورت "نایسته" ای نشان دادند! و این آموری بود برای کلمه زنان ایران که یادگیرند، بدون موافقت چریکها و دوستان دانشجویان زن برگزاری کنفرانس ندارند.

خوشحانه این انحصارطلبی (که چنانکه می بینیم مخمیه مذهبون نیست) با عکس العمل بسیار مناسب زنان مترقی روبرو شد. حمیت چند هزار نفری موجود شاهد یکی از بهترین افشاء کوبها از قانون اساسی ارتجاعی شد که علیرغم کسار شکنی مرتجعین که برق ساختمان را قطع کردند در زیر نور فندک و شمع برنادهای خود را به بهترین وجهی اجرا کرد و کام مؤثری در مبارزه دمکراتیک علیه سلطه جویی و سوونیسیم برداشت.

ما برگزاری این کنفرانس را به همه سازمانهای سیاسی و صنفی از جمله انجمن رهاشی زن، جمعیت زنان مبارز، کمیته زنان جبهه دمکراتیک، اتحاد ملی زنان، کانون مستفصل معلمین، جمعیت بیداری زن، اتحادیه انقلابی زنان، سازمان زنان برنامہ و بودجه، کانون ترفیخواه بانک مرکزی و غیره تبریک میگوئیم و امیدواریم که دومین کنفرانس در شرایطی که با شغل و تفاهم بیشتر همگان همراه باشد برگزار گردد و زنان مترقی میهن ما با تلفیق مبارزات دمکراتیک و سوسیالیستی در مبارزه با رژیم و آموزش سایر نیروهای تریخهای مترقی موفق و مؤید باشند.

هنکامیکه مسئله زنان یک تون بزرگ در غربت محروم جدی مطرح شد، بسیاری از نیروهای "سیار طبقاتی" در ابتدا به آن ندیده بک انحراف نگرینستند. و در غالب موارد هم حق داشتند زیرا چنین های زنان مکررا "به انحراف می گزاشید غافل از اینکه یکی از عوامل انحراف خود آنان بودند آنان تشخیص نمیدادند که مسئله زنان همانقدر مربوط به زنان است که به مردان. آنها غالبا بدین توجیهاات خود فریب متوسل میشدند که کویا چون در جامعه سوسیالیستی این مسئله حل میشود بین دیگر اقدام مشخص در مورد آن ضروری نیست. معلوم نیست چنین مدعیایی چرا رحمت توجه به مسائل مستقل دمکراتیک دیگر مانند مسئله خلقها را بخود میدهند مطابق این "منطق" بهتر است بگذارند اینها هم صرفا در جامعه سوسیالیستی حل شود و اکنون بدان نمایندگی کنند.

نموده مشخرا این طرز برخورد در فتنه گذشته در میهن ما رخ داد برای اولین بار در تاریخ ایران کلمه انجمن ها و سازمانهای زنان مجتما "کنفرانس تدارک دیدند تا در آن بد مسئله احادیه حقوق زنان در قانون اساسی مجلس حیرکان برخورد شده و هیئت حاکمه و مناسبات موجود افشاء شود در جریان این تدارک با سازمانهای مترقی و بحمله دانشجویان پیشکام هم ماس گرفته شد. اما دانشجویان مطابق همان دیدی که ذکر آن رفت مسئله زنان را انحرافی تلقی کرد! بلحاظ عدم همکاری دانشجویان پیشکام و مبارز و نیز کارشکنی عناصر ارتجاعی رژیم "کنفرانس همبستگی زنان" در محظور جدی برای تهیه مکان کنفرانس فرار گرفت بطوریکه بیم آن میرفت که در شهر چند صدکیلتر... سرمربعی تهران جایی برای برگزاری کنفرانس بدست نیاید عاقبت سناد، گروهی از دانشجویان مبارز دانسکده پلی تکنیک احساس مسئولیت کردند و کنفرانس همبستگی را از محظور بدر آوردند. قرار شد روز یکشنبه ۴ آذر ساعت ۳ بعد از ظهر



در تاریخ بشری مبارزات توده‌نگا تحت‌ستم همواره وجود داشته و آنگاه که این مبارزات تضادهای طبقاتی را نشانه می‌رود تاریخ‌ساز شده و تکامل بشریت را شکل می‌دهد. مبارزات توده‌ای چه با مضمون طبقاتی و چه با مضمون بظاهر دمکراتیک نتیجه‌ی مسقیم تضادهای درونی جوامع طبقاتی بوده و ناگزیر در مرحله‌ای از تکامل این جوامع در زمینه‌ی اجتماعی مطرح می‌شود. به شهادت تاریخ، این مبارزات که ریشه در بطن تضادهای درونی جامعه دارد، مستقل از خواست‌های گروه و آن سازمان شروع شده و ارائه می‌یابد. اگر مبارزین آگاه و متشکل بموضع جوانه‌های تاریخ‌ساز این مبارزات توده‌ای را دریافته و برای جهت‌دادن بدان بکوشند، می‌توانند با ارتقاء سطح مبارزه و تبدیل آن به جریان‌ی آگاه، پیروزی نهایی مبارزه‌ی زحمتکشان را تسریع کنند، والا این جنبش‌های توده‌ای جدا از پیش‌تازان و پیشگامان براه خود می‌رود و چه بسا به بستری برای تحقق خواسته‌های ارتجاعی طبقات و اقشار واپسگرا تبدیل می‌گردد.

مبارزه‌ی اقشار وسیعی از زنان تحت‌ستم در کشورهای سرمایه‌داری از جمله این مبارزات است. چه بیارند مواردی که مبارزات بر حق زنان به گجراه کشیده شده و از دامنه‌ی فمینیست‌های (زن‌گرایان) بورژوا سر بدر آورده است. اگر تجربیات زنان مبارز در کشورهای دیگر شناخته شده و در تحلیل و جهت‌گیری مبارزات زنان ایران این شناخت بکار گرفته نشود خطر به انحراف کشیده شدن جنبش‌های زنان ایران نیز بسیار است. تسلط روابط سرمایه‌داری در ایران که بنا بر نیاز امپریالیسم جهانی و بدست نوکران دست‌نشانده‌ی داخلی آن در وطن ما صورت‌گرفت خواه نا-

خواه در جستجوی نیروی کار ارزان، زنان جامعه را از روابط بردگسی در خانوارهای فرماسیونهای ما قبل سرمایه‌داری رها کرده و در سطح کل اجتماع آنان را به بردگستان سرمایه تبدیل کرد. رشد روز افزون تعداد زنان در بازار کار و ورود آنان به اکثر رشته‌های تولیدی و خدمات نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر رشد روابط سرمایه‌داری در ایران بود. اگر سرمایه‌داری، زنان را از روابط بردگی خانواده جدا می‌کند، نه برای آزاد کردن آنان که برای استثمار هر چه بیشتر آنان است. زن زحمتکش در جوامع سرمایه‌داری نه تنها همپایه و حتی بیشتر از مردان هم طبقه‌ی خود از جانب سرمایه‌داری استثمار می‌شود، بلکه اجبارا بار تمام سنتهای ارتجاعی و کار برده‌وار در خانه را نیز هنوز بدوش میکشد. از نظر اقتصادی حمایت‌پذیر و شوهر را که هنوز ارباب‌باوست، از دست می‌دهد در حالیکه در بازار کار بعنوان اینکه ظاهرا احتیاجات کمتری دارد مزد پائین تری از مرد دریافت می‌کند و تازه هنگامیکه بعد از کار خسته کننده و توانفرسا در کارخانه و اداره و مدرسه به خانه باز می‌گردد باید بقیه‌ی وقت خود را در آشپزخانه در خدمت احتیاجات خانواده بگذارند. ولی همانطور که سرمایه‌داری در پروسه‌ی تکوین خود تضادهای درونی خویش را رشد می‌دهد و ناگزیر با دست‌خود گورکنندگان طبقاتی‌ش را بوجود می‌آورد، در مورد زنان نیز دچار چنین تضاد اجتناب‌ناپذیری می‌باشد. زن آزاد شده از روابط بردگی در خانه برای مدتی طولانی برده‌ی سر بزیار سرمایه باقی نمی‌ماند و هر لحظه به تلاش برای رهایی بیشتر از بندهای بردگی گذشته خود و نیز تلاشی روابط بردگی سایر زنان و مردان زحمتکش در چنگسال

سرمایه‌داری می‌افزاید. اینجاست که خصوصیت دوگانه‌ی مبارزات زنان که خود ناشی از استثمار دوگانه آنان است، خود می‌نمایند. زن زحمتکش ناگزیر در دو جبهه می‌جنگد چرا که از دو جانب تحت‌ستم قرار می‌گیرد. در عرصه‌ی مبارزات دموکراتیک، زنان همواره یکی از فعالترین نیروهای مبارز اجتماعی را تشکیل می‌دهند، چرا که از طوفانی‌ترین و دردناکترین قیام و بندهای ظلم و ستم سنتهای ارتجاعی خانوادگی و اجتماعی در رنجند. در حیطه‌ی مبارزات طبقاتی نیز زنان زحمتکش همواره دوش بدوش برادران خود قاطعترین مبارزه را به پیش می‌برند زیرا که رنج استثمار سرمایه را همراه دیگر زحمتکشان لمس کرده‌اند.

رابطه‌ی دیالکتیکی این دو نوع مبارزه با یکدیگر متاسفانه در بسیاری موارد از طرف نیروهای آگاه درک نشده و با جدا کردن مکانیکی این دو، بسیاری از نیروهای چپ مبارزات دمکراتیک زنان را نوعی مبارزه بورژوازی تفسیر نموده و از حمایت و شرکت در آن خودداری می‌نمایند. ولی در واقع همین کوتاه بینی و عدم توانائی تشخیص زمینه‌های اجتماعی مبارزات دمکراتیک زنان از طرف‌پاره‌ای از نیروهای مترقی خود عاملی است برای بار گذاشتن دست بورژوازی برای استفاده و به انحراف کشیدن مبارزات بحق زنان. این درست است که مبارزه زنان بورژوا برای کسب آزادیهای سیاسی و اجتماعی نهایتا به زمین‌ساز و قرار دادن زنان بعنوان یک نیروی اجتماعی رقیب در مقابل مردان میانجامد ولی علت اصلی این امر اینست که ورود زن بورژوا بمحله روابط سیاسی در جامعه او را بعنوان رقیب مرد

بورژوا در كل روابط رقابتي دروني طبقه بورژوازي وارد ميگردد و بورژوازي ماهيتا از ورود رقباي جديد به صحنه خشنود نيست. بخاطر همین ماهيت رقابت امير روابط دروني بورژوازي است که مردان بورژوا اکثرا سر سخت ترين مخالفان آزادي زنان و حقوق برابر آنان با مردان هستند.

ولي در رابطه با مضمون مبارزات دمکراتيک زنان زحمتکش اصولا مسئله بنوعي گاملا متفاوت مطرح است زن زحمتکش ميکوشد آزادي سياسي و اجتماعي خود را کسب کند زيرا کسه براي شرکت ارادانه در پروسه توليد و همگامي با مردان هم طبقه اش در

نيروي مبارزاتي و به انحراف کشانده ان از طرف بورژوازي است

زنده ترين و نزديکترين مثال اين مسئله را ميتوان در مبارزات توده اي و خودبخودي زنان ايران در اسفند ماه گذشته ديد. اين مبارزات که بطور خودبخودي در مقابل تصميمات ارتجاعي قشر حاکم جديد، شکل گرفت چون از سازماندهي نيروها و عناصر مترقي محروم ماند پس از مدت کوتاهی مورد سواستفاده مرتجعين و بعضي عناصر طرفدار رژيم منقور قبلي قرار گرفت و ميرفت که به کجراه کشيده شود. اين تجربه صفت تحليلها و عملکردهای بسياري از سازمانهاي مترقي و چپ

زن زحمتکش در جوامع سرمايه داري، نه تنها همبنايه و حتی بيشتر از

مردان هم طبقه خود از جانب سرمايه استثمار ميشود، بلکه اجبارا

بارتنام ستمهاي ارتجاعي و کاربرده وار در خانه را نيز هنوز بدوش

ميکشد.

توليد و نيز مبارزه عليه استثمار سرمايه به اراديهاي دمکراتيک سيار دارد. زن زحمتکش نه بعنوان رقيب بلکه بعنوان متحد مرد زحمتکش وارد صحنه روابط توليدي و مبارزات اقتصادي، اجتماعي و سياسي ميگردد. از اينجاست که عناصر آگاه زحمتشان بخصوص سازمانهاي بيشتاز پرولتروزي همواره مدافع سر سخت آزادي زنان و برابري حقوق زنان و مردان در جامعه هستند زيرا که از ورود متحدان جديد و پر شور در صحنه مبارزات طبقاتي استقبال ميکنند.

عدم درک رابطه ديالکتیکی بين مبارزه دمکراتيک زنان زحمتکش و مبارزه طبقاتي پرولتاريا، ونفي مبارزات دمکراتيک زنان زحمتکش که در مقطعي از تاريخ بخاطر داشتن اهداف حداقل مشترک - با - زنان دريک بسترواحدا انجام مي يابد در واقع منجر به شانه خالي کردن نيروه های سرفي از شرکت در اين مبارزات و کوشش براي ارتقا خواسته های آن به خواسته های حداکثر زنان زحمتکش و جلوگیری از هز رفتن اين

را نشان ميداد ولي خوشحالتانه اين تجربه تلخ زمينه اي براي عمل بعضي عناصر آگاه اجتماعي قرار گرفت و سازمانهاي مترقي براي سازماندهي مبارزات دمکراتيک زنان ايجاد شد.

مبارزات دمکراتيک زنان دشمنان اصلي خود را در افسار و طبقات ارتجاعي از جمله بورژوازي و خرده بورژوازي متعصب و کوتاه سين مي يابد. بورژوازي که ماهيتا از برآوردن کامل خواسته های دمکراتيک زنان عاجز است ميکوشد اين خواسته ها را به سطح آزاديهاي صوري و ظاهري کاهش داده و آزادي زن را برابر آزادي در برخورداری از ارزشهاي منحط فرهنگ - بورژوازي قرار دهد.

از طرف ديگر خرده بورژوازي سستي که بعلت شهيد حيات اقتصادي - اجتماعي از طرف سرمايه داري بزرگ بميدان مبارزه آمده است هنگامیکه قدرت سياسي را به جنگ مي آورد با همان ديد کوتاه و افکار ارتجاعي اي که، مبارزه

ضد سرمايه داري بزرگ را در شکستن ماشين و بازگرداندن چرخ تاريخ به عقب و به دوران ما قسبل سرمايه داري مي بيند، در رابطه با مبارزات زنان نيز به خيال خود براي از بين بردن استثمار زن توسط سرمايه و تحقير زنان توسط ارزشهاي منحط فرهنگ بورژوازي، راه چاره را در بازگرداندن زن به روابط برديگي خانوادهي ما قبل سرمايه داري مي يابد.

خرده بورژوازي سستي با انگشست گذاردن بر ماهيت سرمايه داري در استثمار زن و طرح شعارهاي تو خالي در رابطه با احتياج مردم زن در جوامع سستي ميکوشد حماقت قشري خود را در سطح جامعه گسترش داده و زنجيرهاي برديگي را در نظر زنان بعنوان سنج مبارزه با ظلم بنماياند، بي خبر از باري تاريخ که هر نوع بازگشت به عقب را به ريشخند گرفته و ايسگرابان را زير چرخهاي بر قدرت تکامل خود خواهد گرد. ارتجاع خرده بورژوازي همچنانکه نميتواند براي برقراري قدرت خود تکامل اقتصادي را بعقب راند و روابط ما قبل سرمايه داري را در جامعه استقرار دهد، در زمينه فرهنگي نيز نميتواند فرهنگ ارتجاعي بورژوازي را با فرهنگ ارتجاعي سر ما قبل آن عوض کند. مبارزات زنان و مردان قهرمان ما بر عليه ارتجاع و امپرياليسم براي جايگزين کردن روابط اقتصادي - اجتماعي مترقي تر بود و نه بخاطر بازگرداندن ارزشهاي فسيل شده ي دو هزار ساله ي تاريخ.

اگر زن زحمتکش در جامعه ي سرمايه داري نيروي کارش در اختيار سرمايه دار قرار دارد و از اينسرو تحت استثمار طبقه ي حاکمه است، مبارزه اش را براي آزادي گسار و مالکيت محصولش متمرکز ميکند، نه براي خارج شدن از پروسه ي توليد کار ذاتي و تکامل دهنده ي شخصيت انساني است. تاريخ انسانها با قابليت کار و تکامل آن گره خورده

است. زن زحمتکش از امکاناتی که جامعه سرمایه‌داری برای ورودش به بروسی تولید ایجاد کرده استقبال میکند چرا که شرکت در تولید تنها راه آزادی اوست. مبارزه زن زحمتکش نه برای از بین بردن امکانات کار، که برای گسترش آن است. محتوای شعار آزادی و برابری برای زن و مرد در واقع شکست قیودی است که از نظر اجتماعی بر دست و پای زن قرار گرفته و از ورود آزادانه‌اش به بروسی تولید جلوگیری می‌نماید. هدف مبارزات دمکراتیک زنان، نابودی سنتها و ضوابطی است که زن را در محیط آشپزخانه و در روابطی که هیچگونه مکان رشد شخصیت اجتماعی زن را به او نمیدهد، به بردگی کشانده است. زنان میخواهند همبای مردان آزاد باشند تا در تولید اجتماعی شرکت کرده و همواره با کارشان و همگام با مردان به مبارزه بپردازند. همی زحمتکش را استثمار میکنند، برخیزند.

زنان زحمتکش ما راه رهائی از جنگال استثمار سرمایه را نه در بازگشت بدوران بردگی در خانه و آشپزخانه، آنچنان که خرده‌بورژوازی ارتجاعی توصیه میکند که در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و ایجاد روابط تولیدی سوسیالیستی که تنها ضامن رهائی واقعی زنان و مردان زحمتکش است، میجویند. تنها راه رهائی از استثمار دوگانه و زنان، نابودی ریشه‌های اقتصادی - اجتماعی استثمار معاغفاست. استثمار سرمایه را با نابودی سرمایه‌داری ریشه‌کن میکند و استثمار در خانواده را با اجتماعی کردن کار خانگی و ایجاد امکانات اشتراکی برای انجام وظائف خانه‌داری خصوصی، باید مهدکودکها و آموزشگاهها برای تربیت کودکان در هر سطحی از اجتماع تشکیل گردد. باید سالیتهای غذاخوری همگانی در هر بخش از اجتماع ایجاد گردد و باید مابقی کارخانه با اجاره فرهنگی پرولتری، بین زن و مرد

بطور مساوی تقسیم شود. روابط زن و مرد در خانواده بصورت ارباب و بنده، آنچنان که هم اکنون هست بلکه بصورت روابط دو رفیق، دو همکار و دو متحد در آید. مردان رفتیکه زن بکار خسته کنند و برده‌وار در چهارچوب خانه میگذرانند باید به حداقل کاهش داده شود تا زن بتواند بعنوان عضوی از اجتماع با شرکت در کار تولیدی با آزادی کامل در کنار مردان جامعه حضور داشته باشد. شخصیت فردیش را رشد داده و تاریخ اجتماعش را بسازد. از آنجا که هدف اصلی ما این است که نظام سرمایه‌داری و پرولتری انقلاب سوسیالیستی میسر است پس هر گام در مبارزه جهت کسب آنها کامی است در راستای تسهیل شرایط این انقلاب. نه انقلاب سوسیالیستی بدست بردگان میسر است و نه بدون رسیدن به سوسیالیسم تنها بردگی کهن، این هر دو در یک مسیرند و رابطه ارکانیک با هم دارند.

